



روزانه ها ...

خانه قلم ها پیوندها



آراده (م) ایل بیگی گاه روزانه های دیروز ... و امروز

آوردن این مطالب نه به معنای تأییدست و نه به انتقاد؛ تنها برای خواندن ست و ...

247

بخشی از کتاب ناصر مکارم شیرازی: طرح حکومت اسلامی



آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی

بررسی فترده‌ای پیرامون

طرح حکومت اسلامی

مطبوعاتی هدف

قم. خیابان صفائیه. جنب مدرسه امیرالمؤمنین

تلفن ۴۰۷۷

شاید عده‌ای چنین می‌پندارند که مفهوم حکومت اسلامی، قطع پیوند با جهانیان و روی آوردن به انزوای سیاسی، خشونت در همه زمینه‌ها، مبارزه با صنعتی شدن کشور، بستن در چاه‌های نفت و سایر ذخایر زیر زمینی به‌روی مردم دنیا، گذراندن اقلیتها از دم شمشیر، محرومیت زنان از حقوق اجتماعی، حذف دموکراسی از برنامه حکومت، و بازگشت به زندگی سنتی قرون وسطی - آنچنان که دکتر اوئن وزیر خارجه انگلستان و همفکرانش در شرق و غرب پنداشته اند می‌باشد. آنهاکه چنین فکر می‌کنند، از یک نظر حق دارند، چرا که سه عامل انحرافی بر سر راهشان، قرار گرفته و چنین پندارهای نادرستی را منطقی جلوه داده است.

## ۵- وحشت از حکومت اسلامی

هنگامی که گفته می‌شود لازم است در این کشور اسلامی یک حکومت انقلابی اسلامی برقرار گردد از هر سو این صدا بلند می‌شود که حکومت اسلامی دیگر چه نوع حکومتی است؟ چه ره آوردها و راه حل‌ها برای مشکلات بشریت دارد؟ مسائل زیربنائیش کدامست؟ مسائل روبنائیش چگونه است؟ با کدامیک از ایسم‌های کنونی شبیه، یا شبیه‌تر، است؟ طرح عملی آن چگونه است، و اصولاً جنبه عملی دارد؟ گروهی این سئوالات را با شوق و شور، و گروهی با اضطراب و نگرانی مطرح می‌کنند.

## ۲- تبلیغات غرض‌آلود حساب شده

فسمت دیگری از این نگرانیها زاعبده تبلیغات حساب شده، غرض‌آلود، پی‌گیر و مستمر دشمنان ما در خارج، و با آنها که ادامه وضع موجود امکان غارتگری بیشتری به آنها در داخل می‌دهد می‌باشد.

ممکن است برای غربیها زیاد عجیب نباشد ولی برای ما شرقیها (مخصوصاً مسلمانان) این منطق بسیار عجیب و حیرت‌زا است که مقامات رسمی آمریکا و انگلستان و آلمان صریحاً و بدون هیچگونه پرده‌پوشی برای حمایت خود از وضع موجود ایران، چنین استدلال می‌کنند که اگر این وضع دگرگون شود منافع ما در این منطقه به‌خطر خواهد افتاد. گویا ما برای حفظ منافع آنها آفریده شده ایم.

یا اینکه سند رسمی سپرده‌ایم که تا ابد پاسدار منافعشان در منطقه باشیم و باید بمیریم و بدمیم. چیزی که از آن سخن نیست، منافع خود ما حیثیت ما، شرف و آزادی ما است.

## ۱- ابهام و عدم شناخت

باید اعتراف کنیم که بسیاری از این پرسشها نگرانیها و سوءظن‌ها از ابهام مفهوم حکومت اسلامی سرچشمه گرفته، چرا که تاکنون در مطبوعات بزرگ و در مقیاس جهانی و حتی کشوری این مسأله تبیین نشده است.

طبیعی است اگر شبها در تاریکی مطلق از یک جاده صاف و آسفالته بگذریم مضطرب و نگرانیم نکند پرتگاهی در مسیر باشد، درحالی که روزها از پرپیچ و خم ترین جاده‌ها می‌گذریم و کمترین نگرانی بخود راه نمی‌دهیم.

نخستین مسافران کره ماه با اضطراب و وحشت فراوان وارد این کره اسرار آمیز شدند، چرا که احتمال می‌دادند عوامل مرموز و مرگباری در سطح این کره در انتظارشان باشد، اما هنگامی که پیاده شدند و ابهامها برطرف گشت و همه چیز را تقریباً در آنجا عادی دیدند، اضطراب موضوعی نداشت. به‌رحال تصور می‌کنیم که با روشن شدن " خطوط اصلی حکومت اسلامی " نگرانیهای که از این رهگذر ناشی شده پایان گیرد.

این طرز فکر وحشتناک بی شک میراث دوران استعمارهای بزرگ است، میراث دورانی است که پایه‌های تخت روان نماینده انگلیسی را چهار نفر هندی برهنه بردوش می‌گذارند و عرق ریزان و نفس زنان او را به این طرف و آن طرف می‌برند، درحالی که او پیپ خود را دود می‌کند و لبخند می‌زد.

بی شک روشن شدن مفهوم حکومت اسلامی به تغییر موضع این گروه هیچگونه کمک نمی‌کند، آنها نه فقط همچنان به سمپاشی‌هایشان برای آفریدن وحشت از حکومت اسلامی ادامه خواهند داد، بلکه از هیچگونه دروغ و تهمت در این راه نیز مضایقه نخواهند کرد، مگر اینکه برای یک لحظه هم که باشد فکر کنند، غیر از منافع آنها منافع موجود زنده ذی روح دیگری نیز در دنیا وجود دارد.

## سیستم حکومت اسلامی

پس از بررسی انواع حکومت‌های موجود، نوبت به حکومت اسلامی می‌رسد. به‌طور ساده، طبیعت حکومت اسلامی ازدو عنصر تشکیل یافته که آنرا از هر سیستم حکومتی دیگر جدا می‌سازد.

۱- "جنبه الهی و خالقی"

۲- "جنبه مردمی و خلقی"

از جهت اول حکومت به عنوان یک "ودیعه الهی" تلقی می‌شود، و حکام و زمامداران در شکل "نمایندگان خدا" باید عمل کنند (این همان چیزی است که در آیات قرآن مجید مکرر به آن اشاره شده و حتی پیشوایان بزرگ دین هنگامی که می‌خواهند نماینده‌ای از طرف خود برای مردم تعیین کنند می‌گویند آنها نماینده نمایندگان خدا هستند

(إِنَّهُمْ حَجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حَجَّةُ اللَّهِ)

مفهوم مستقیم این موضوع لزوم رعایت فرمان و دستورهای مالک اصلی حکومت یعنی "خدا" در همه زمینه‌ها است و حکام و زمامداران باید در همه جا خواست او را معیار قرار دهند (هرچندخواست او جز تأمین سعادت انسانها نمی‌باشد منتها از دیدگاهی فراتر از همه دید گاهها)

و در قسمت دوم اصل آزادی انسانها از هر گونه اسارت و استثمار و بهره‌کشی به عنوان زیر بنا شناخته می‌شود، و مشارکت عموم مردم در تعیین سرنوشت خویش بر پایه "وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ" ضروری است.

طبیعت این قسمت نیز طرد هر نوع "خود کامگی و استبداد" و هرگونه "خیره سری و خود برتر بینی" و "تحمیل بردیگران است.

در این نوع "حکومت الهی" که آنرا حکومت عدل اسلامی می‌نامیم، تاکید روی اصل "برادری و اخوت" و "آزادی و عدالت" از هر مکتب دیگری بیشتر است، و مسائل اعتقادی که روح و روان انسان یعنی بزرگترین بخش وجود او را دربر

گرفته و سالیان دراز از متن برنامه حکومتها حذف شده، در این مکتب به کار گرفته می‌شود و به همین دلیل هیچیک از عیوب چهارگانه دموکراسی مادی غرب در آن نیست، زیرا:

۱- عیب اول دموکراسی غربی (استثمار اقلیتها به وسیله اکثریت) در این طرز حکومت نمی‌تواند وجود داشته باشد.

درست است که مردم مسلمان می‌توانند به اتفاق آراء در مساله پیاده کردن اصل شوری نظریه اکثریت را محترم بشمرند و ملاک و معیار عمل قرار دهد، زیرا اتفاق نظر در مسائل اجرائی یا تطبیق احکام برجزیات در بسیاری موارد امکان پذیر نیست و سیره پیامبر اسلام (ص) و علی (ع) و سایر پیشوایان بزرگ اسلام نیز نشان می‌دهد که آنها به هنگام مشورت رأی ارجح (نظر اکثریت) را می‌پذیرفتند.

ولی باید توجه داشت کسانی که به انتخاب اکثریت این امور را به عهده می‌گیرند طبق اصل "ودیعه الهی بودن حکومت" نمی‌توانند منافع قوم و گروه معینی را مورد توجه قرار دهند، و در میان

بندگان خدا که همه نزد او محترمند کمترین تفاوتی قائل شوند.

علاوه بر این آنها با انکاء به "ایمان" و "عدالت" و "تخصص کافی" (چون شرط اصلی در انتخاب این نمایندگان، آن است که مؤمن و عادل و آگاه از مسائل اسلامی و وظایف اجتماعی خود باشند) نمی‌توانند میان انتخاب کنندگان خویش و دیگران فرقی بگذارند.

از این گذشته "اخوت اسلامی" که از مهمترین اصول اساسی این مکتب است، اجازه تزییع حق احدی را نمی‌دهد، مخصوصاً صاحبان "زر" و "زور" و خودکامان در این مکتب نقشی نخواهند داشت، آنها که زباله‌های کثیف جوامع استبدادی یا دموکراسی مادی هستند، به سرعت برچسبیده خواهند شد و جای خود را به افرادی که دارای معیارهای انسانی و اسلامی هستند می‌دهند (آنچنان که در آغاز اسلام فقط با گذشتن چند سال ابوسفیانها و ابوجهلها و ولیدبن مغیرهها طرد شدند، و جای خود را به ابودرها و سلمانها و عمار یاسرهها سپردند)

۵۲

۲- در این سیستم اقلیتها هیچگاه نمی‌توانند در چهره اکثریت ظاهر شوند، زیرا از یکسو با طرز تعلیمات اسلام معیار زر و زور دیگر معیار سنجش شخصیت انسانها نیست، و تقوا و پرهیزگاری (و به تعبیر دیگر احساس مسئولیت در برابر خالق و خلق) جای آنرا گرفته است.

و از سوی دیگر مبارزه انتخاباتی به آن صورت که در جوامع دموکراسی غربی است، در حکومت اسلامی مفهوم ندارد.

زیرا در آنجا سخن از این است که چگونه باید در دستگاه حکومت نفوذ کنیم و منافع گروهمان را حفظ نمائیم.

اما در اینجا مسأله مهم برای هر مسلمان این است که چه کسی را انتخاب کنیم که اصل عدالت و آزادی را در باره عموم بهتر بتواند اجرا کند.

بدیهی است در دائره این طرز تفکر خبری از آنهمه لاف و گزاف انتخابی و دروغها و نیرنگها و حق و حسابهایی که در طرز انتخابات غرب دیده می‌شود وجود نخواهد داشت، و استفاده از همه اینها ممنوع و نامشروع است.

۵۳

مردم با آموزش و تربیت اسلامی به دنبال این می‌روند که چه اشخاصی لایقتر و شایسته‌ترند، و با الهام از قرآن مجید *إِنَّ الْأَرْضَ بِرِثْتِهَا عِبَادِيَ الصَّالِحِينَ* در جستجوی بندگان صالح و درستکار خدا هستند.

۳- درست است که به هنگام رأی‌گیری در مشورتها (شورای اسلامی) همه مردم یکسان مشارکت دارند، ولی با توجه به طرز تفکر اسلامی و اینکه حکومت یک ودیعه الهی است که باید در آن خیانت نشود هیچکس به خود اجازه نمی‌دهد که بگوید من به فلانکس رأی می‌دهم، زیرا مثلاً از قیافه و تن صدا و طرز لباس پوشیدنش خوشم می‌آید، و یا اینکه با تمایلات شخصی من

سازگارتر است (آنچنان که در انتخابات غربی بسیار دیده می‌شود) بلکه او می‌گوید باید آنکس را انتخاب کنم که بهتر می‌تواند در سپردن این ودیعه الهی به او اعتماد کرد.

و این طرز فکر در انتخابات حکومت اسلامی مردم را به نیال نظرخواهی از صاحب نظران آگاه و آگاهان با ایمان می‌فرستد، که با انکاء روی

۵۴

تجربیات آنها "بهترین" را انتخاب کنند. به همین دلیل مشاهده می‌کنیم که در انقلاب سیاسی و اجتماعی اخیر کشور ما مردم فوق العاده در موضع گیریهای انقلابی، و انتخاب مسیر خود، روی اظهار نظرهای روحانیت آگاه تکیه کرده و می‌کنند.

و به این ترتیب در عین برابری و مساوات همه افراد در امر مشورت، حق تقدمهایی که از ارزشهای اسلامی سرچشمه می‌گیرد، برای شایستگان محفوظ می‌ماند و گاه رای یک فرد شایسته، صد ها هزار رای را به دنبال خود برمی‌انگیزد.

× × ×

۴- مسأله دنباله روی از تمایلهای انحرافی و خواسته‌های نادرست و غیر منطقی و نامشروع، و بطور کلی مسأله دنباله روی به هر شکل و به هر صورت، در این سیستم حکومت اسلامی جایی نمی‌تواند داشته باشد.

زیرا عهده داران این حکومت طبق تربیت

۵۵

و باید روی تمایل آنها حتی اگر نامشروع باشد تکیه کنیم، بلکه چون این کار با "عدالت اسلامی" سازگار نیست اگر مرتکب چنین چیزی شوند، از عدالت افتاده، خود به خود مقام نمایندگی را از دست خواهند داد.

بنابراین حکومت اسلامی

به استثمار و استبداد در اشکال مختلف پایان می دهد.

آزادیهای منطقی را برای همه انسانها محترم می شمرد.

راه را برای پیشرفت به سوی زندگی پاک انسانی آمیخته با حق و عدالت، با مشارکت همه گروهها می گشاید، حکومتی که تمام خطوطش سرانجام به خداوند می پیوندد.

بافت حکومت اسلامی

در حکومت اسلامی مانند حکومت های دموکراسی سه گروه "مشورتی" و "اجرایی" و "قضائی" سه پایه اساسی حکومت را تشکیل می دهد اما با تفاوت های بسیار.

۵۷

اسلامی، خود را موظف می دانند که "رهبر و پیشوا" باشند، نه مقلد و نه دنباله‌رو، یا تسلیم تمایلات این و آن.

آنها با توجه به طبیعت "ودیعه الهی بودن این حکومت" خود را قبل از هر چیز در گرو فرمان خدا می دانند، فرمان او به عدالت در تمام سطوح و در میان همه انسانها بدون هیچ گونه امتیاز یعنی آنچه در مفهوم کلمه الناس (مردم) جمع است آنچنانکه قرآن می گوید: **وَإِذَا حُكِمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ... لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ**

آنها با الهام از این تعلیمات، وظیفه اصلی خود را این می دانند، هر چه بیشتر بتوانند مفسد را اصلاح کنند ( **إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ** )

آنها نه تنها تمایلات احیانا نادرست موکلین خود را در نظر نمی گیرند، بلکه حتی از ملامت و سرزنش "احتمالی" آنان در اجرای حق و عدالت پروا ندارند ( **لَا تَأْخُذْهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ** ) به این ترتیب نمایندگان در حکومت اسلامی هیچگاه به این نمی اندیشند که ما مبعوث فلان گروهیم

۵۶

آگاهان و متخصصان مسائل اسلامی نباشند باید جمعی از دانشمندان اسلامی بر مصوبات آنها نظارت کنند.

این نیز لازم به یادآوری است که در اسلام برای "مشاوران" آنها در چنین مسأله خطیبری صفتی ذکر شده که ایجاب می کند آنها از میان "آگاهترین" و "بلند نظرترین" و "عادل ترین" مردم انتخاب شوند، و آنها موظفند منافع عموم جامعه را بر هر چیز مقدم بشمرند و هیچگاه منافع گروهی را برگروه دیگر ترجیح ندهند که این خود دلیل خیانت آنها در امانت الهی و سلب صلاحیتشان خواهد شد.

۲- در زمینه "هیئت اجرایی" یعنی دولت چون از یک سو باید رئیس دولت اسلامی علاوه بر "اسلام و ایمان" دارای صفات زیر باشد.

الف "عدالت" نه به مفهوم رعایت حقوق اجتماعی، بلکه به مفهوم وسیع فقهی یعنی دارا بودن روح خداترسی عمیق و احساس مسئولیت درونی آنچنانکه او را از ارتکاب هرگونه گناه باز دارد، خواه در مسائل حقوقی باشد یا غیر آن.

۵۹

۱- شک نیست که شرکت در "مشورت" درباره همه مسائل سرنوشت ساز جامعه اسلامی حق عموم مسلمانان است، حتی که مستند به مهمترین منبع اسلام یعنی قرآن می باشد.

و نیز شک نیست که مشارکت "مستقیم" عموم در همه مسائل علاوه بر اینکه عملی نیست از حدود تخصص عدهای خارج است.

لذا مسلمانان ناگزیرند نمایندگانی برای خود از افراد با "ایمان" و "صالح" و "آگاه" برگزینند تا در مسائل مربوط به اداره جامعه به شور بنشینند.

اما مهم این است که آنها باید در تمام مقرراتی که برای اداره جامعه تصویب می کنند قوانین اسلامی را به عنوان قانون اساسی مد نظر داشته باشند و انحرافی از آن پیدا نکنند و خوشبختانه این قوانین ————— آنچنان گسترده و جامع الاطراف است که انطباق آن بر نیازمندیهای اصیل و واقعی هر عصر و گروه کاملاً قابل درک است.

به همین دلیل اعضای شوری اگر خود از

۵۸

### ۳- در مورد هیئت قضائی

در حکومت اسلامی فضات علاوه بر داشتن آگاهی کافی از مسائل اسلامی (در سر حد یک صاحب نظر) و دارا بودن عدالت به مفهومی که گذشت باید طبق آئین درسی اسلام که جزئیاتش در کتب فقهی آمده است در میان طرفین دعوا داوری کنند، از جمله " مساوات " و " عدالت " را میان آن دو ( هر کس باشد حتی اگر رئیس دولت اسلامی به عنوان یک متهم در برابر یک فرد کاملاً عادی قرار گیرد ) در تمام جهات حتی در کلام و سلام و احترامات عادی و نگاه کردن در دادگاه رعایت کند تا چه رسد به مسائل حقوقی .

در آئین دادرسی اسلامی از دادگاههای متعدد، مانند دادگاه نظامی، دادگاه عادی، دادگاه کارمندان عالی رتبه دولت، و امثال آنها خبری نیست همه دادگاهها شعب یک دادگاهند و یکسان در باره همه رفتار می شود .

در این دادگاهها از قوانین و مقررات دست و پاگیر و ائتلاف کننده وقت خبری نیست و اصل

ب- صاحب نظر بودن در " مسائل اسلامی " ج- آگاهی و بینش کافی در مسائل اجتماعی و سیاسی " هرگاه دو قسمت اخیر یعنی آگاهی در مسائل اجتماعی و سیاسی " با تخصص در مسائل اسلامی در یک فرد جمع نباشد، متخصصان مسائل سیاسی و اجتماعی، می توانند با نظر صاحب نظران و مجتهدان اسلامی به این امر قیام کنند . و از سوی دیگر برای مشارکت و همکاری هر چه بیشتر عموم مردم در این امر حیاتی می توان عده ای از واجدان شرایط فوق را به عنوان نامزدهائی برای تصدی این امر به جامعه اسلامی معرفی کرد و مردم با آراء مستقیم، یا غیر مستقیم ( بوسیله نمایندگان خود ) شایسته ترین را انتخاب کنند و به این ترتیب تمام جهات لازم برای حفظ روح اسلامی مسئله حکومت و همبستگی عمومی تامین گردد . ( مساله ولایت فقیه - مشارکت مردم - استفاده از متخصصان هرفن ) عبارت دیگر همانگونه که " مشارکت مردم " باید از طریق انتخابات آزاد تامین شود، و همانگونه که اصل " امانت و کاردانی " در " نمایندگان " و " هیئت دولت " لازم است همچنین نظارت و اذن قضیه ( یا شورای فتوا ) باید رعایت گردد .

وسلب آزادیها و کوبیدن هر نوع جنبش ملی و مردمی و یا حافظ منافع بیگانگان در یک منطقه از جهان است . بلکه نقش ارتش منحصر ا پاسداری از مرزها و استقلال و منافع و موجودیت کشور اسلامی است . برخلاف پندارهای نادرست بعضی، ارتش در نظام حکومت اسلامی از هم متلاشی نمی شود، بلکه ارتشی نیرومند و قوی برای پاسداری از مرزها و منافع حیاتی وجود خواهد داشت .

ارتشی که با آخرین و قویترین سلاحها مجهز باشد و همه امکانات و قدرتهای مادی و معنوی را به کار گیرد .

ولی یا الهام از قرآن مجید ( وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ . . . تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ ) هدفش از قدرت تسلیحات، و بالا بردن سطح آگاهی رزمی، و ورزیدگی جنگی سربازانش، چیزی جز این نیست که دشمنان " خدا " و " مردم " را بترساند، و برجای خود بنشاند .

بازدارنده باشد نه مهاجم .

آزادی بخش باشد نه متجاوز .

گلوله هایش به سینه دشمن فرورود نه

" سرعت " و " دقت " دو اصل حاکم بر این دادگاهها است و به همین دلیل " معمولاً " دادرسی اسلامی یک مرحله ای است و تعدد و تکرار در آن وجود ندارد . به همین دلیل بسیار سریع انجام می گیرد، ولی دقت در انتخاب قضات و شرایط سنگین آنها و مخصوصاً استفاده از روح ایمان و مبانی مذهبی، بازدهی و محصول آنها را در یک سطح عالی قرار می دهد، و خطرات یک مرحله ای بودن را از بین می برد .

× × ×

### نقش ارتش در حکومت اسلامی

ارتش در این سیستم حکومت نه همچون کشور های امپریالیستی غرب و شرق ( ابرقدرتها ) در خدمت مقاصد توسعه طلبی و تجاوز به حقوق دیگران و غارت سرمایه های آنهاست . و نه همچون بسیاری از کشورهای جهان سوم در خدمت استبداد و حفظ پایه های قدرت دیکتاتورها

دوست .

پاسدار منافع خویش باشد نه بیگانه .

و سرانجام ، ارتشی باشد در کنار مردم و دوش به دوش آنها ، نه رویاروی آنها .

البته برطبق تعلیمات اسلام به هنگام بروز یک خطر جدی تمام افراد مسلمان اعم از مرد و زن ، پیر و جوان ، موظفند اسلحه به دست گیرند و از مرزهای اسلام دفاع کنند ، یعنی در این موقع همه سربازند ،

و به همین دلیل در شرایط جنگهای دنیای امروز که آشنائی با انواع سلاحها و مهارت کافی در طرز کاربرد آنها ضرورت دارد ، باید مردم مسلمان به عنوان " مقدمه واجب " که یک اصل اساسی در اصول فقه اسلامی است ، قبلاً در این زمینه به نوبت آموزش کافی ببینند و آمادگی لازم را به دست آورند .

### آموزش و پرورش و فرهنگ

در حکومت اسلامی درهای علم و دانش ، در تمام مراحل و سطوح ، بر روی همه مردان و زنان

۶۴

گشوده است ، و هیچ قید و شرطی در این زمینه در کار نیست ، جز اینکه باید محیط تحصیل از هر نظر پاک باشد و دختران و پسران بتوانند در محیطی سالم و پاک از هرگونه آلودگی اخلاقی ، با رعایت موازین اسلامی به تحصیل پردازند .

شاید برای بعضی تعجب آور باشد اگر بگوئیم تحصیل کردن در تمام رشته های علمی ، اعم از طب و کشاورزی ، اقتصاد ، حقوق سیاسی و اجتماعی و تمام صنایع مورد نیاز جامعه اسلامی ، یک " فریضه حتمی " و یک " واجب کفائی " است یعنی بر جوانان واجب است که تا سرحد " خودکفائی کامل " در تمام این رشته ها سرمایه گذاری فکری کنند ، و از مغز های وارداتی بی نیاز شوند ، در غیر این صورت در پیشگاه خدا و اسلام مسئولیت دارند ، و این بحثی است که فقهای اسلام در آن اتفاق نظر دارند .

و جوانان می توانند به عنوان یک عبادت بزرگ ، یک فریضه الهی ، و یک مسئولیت مذهبی ، روی موضوع فراگیری علوم تکیه کنند .

اسلام در آیات مختلف قرآن ، مسلمانان را از وابستگی به دیگران باز داشته ، و پیامبر اسلام

۶۵

پرخرج " دزدپور " و " اسراف انگیز " شود ، صرف توسعه دانشگاهها و مدارس می شود تا شانس قبولی در کنکور دانشگاه - مثل امروز - فی المثل ماننسد شانس قبولی در یک قرعه کشی بخت آزمائی و بردن یک اتومبیل پرازا اسکناس نباشد .

بیت المال اسلامی اجازه نمی دهد کسه سرمایه های عظیمی در راه جشنهای وقیح و رسوائی بنام جشن هنر مصرف شود ، اما از سیصد هزار شرکت کننده در کنکور دانشگاه فقط سی هزارتن به درون این دژ افسانه ای راه یابند و بقیه سرگردان شوند یا راهی دیار بیگانه .

حکومت اسلامی وظیفه دارد مقدمات این واجب دینی یعنی تحصیل در تمام سطوح و مراحل مورد نیاز جامعه را ، برای همه در صورتی که خود افراد توانائی نداشته باشند ، از بیت المال تهیه کند ، و هرگز مسابقه تسلیحاتی کمرشکن را تحمل نمی کند هر چند خوش آیند قدرتهای بزرگ اسلحه فروش جهان نباشد .

مورخان معروف نوشته اند پیامبر اسلام (ص) برای آزاد ساختن اسیران جنگی بدر بعضی را ملزم

۶۷

(ص) صریحا به آنها که طفیلی گزائی را برای خود پذیرفته اند لعن فرموده ، و آنها را دور از رحمت خدا شمرده است .

اسلام به مغزهای متفکری که برای اندوختن ثروت بیشتر ، برادران مسلمان خود را رها کرده ، و راهی دیار بیگانه شده اند شدیداً اخطار می کند که آنها مسلمان واقعی نیستند ، چرا که مسلمان واقعی کسی است که هر صبحگاهان به مشکلات جامعه اسلامی بیندیشد ، نه فقط به منافع شخصی و به حجم ثروت خویش .

در حکومت اسلامی نه فقط تحصیل کردن بر همه واجب است و برنامه تحصیلات اجباری به دقت اجرا می شود ، بلکه تعلیم دادن را نیز بر تمام آنها که قدرت تعلیم دارند ( در صورتی که جامعه به معلم نیازمند باشد ) واجب می شمرد و فقهای ما همواره به آیه " نفر " از قرآن ، و احادیث اسلامی و قاعده فقهی " لزوم حفظ نظام " در این زمینه استسدادلال کرده اند .

در یک حکومت اسلامی به جای اینکه ثروت های عظیمی صرف تغذیه رایگان همان نماینده

۶۶

منافع یک کشور، هرچند به قیمت اسارت و بدبختی و سیه روزی دیگران تمام شود - آنچنان که سران بزرگ غرب از آن سخن می‌گویند.

این موضوع حتی در داخل یک جامعه نیز صدق می‌کند، یعنی اسلام بهیچوجه اینهمه افراط و تفریط را که گروه "شمال‌نشینان یک شهر" دارای مرفه‌ترین زندگیها باشند، و گروه جنوب‌نشینان در بدترین شرایط زندگی کنند، و با انواع محرومیتها دست به گریبان باشند، نمی‌پذیرد.

اسلام هرگز براین موضوع صحه نمی‌گذارد که همت دولتها نیز در درجه اول تنها راضی‌نگهداشتن طبقات مرفه و نامین وسائل تحصیل‌وآب و برق و فضای سبز و آسفالت و مراکز درمانی برای آنها باشد و اگر فرضا چیزی اضافه ماند برای صدفه سلامت جان آنها به گروههای دیگر بخشند.

پیامبر ما می‌گوید مسلمانان همانند دندانهای شانه مساوبند، خون آنها هم‌رنگ است، هیچ مزیتی جز به تقوا بر یکدیگر ندارند.

در اقتصاد اسلامی همه‌جا نیازهای اصیل جامعه مطرح است، نیازهای طبیعی و واقعی، آنهم

به پرداختن پولی کرد، و بعضی را به دادن مقداری اسلحه اما به آنها که سواد داشتند دستور داده‌کردم ده کودک مسلمان را خواندن و نوشتن بیاموزند و آزاد شوند، یعنی سلاح دانش، برتر از "پول" و "اسلحه".

× × ×

### دورنمای اقتصاد در نظام حکومت اسلامی

در طرز تفکر اسلامی که همه امتیازات نژادی و زبانی و منطقه‌ای‌الفا شده، و امتیاز انسانها تنها به ایمان و تقوا و پاکی و درستی آنها است، جغرافیای اقتصادی کنونی جهان که بر پایه گروه‌بندی "مالک‌پیشرفته در حال رشد - عقب مانده و فقیر" استوار است کاملاً محکوم و غیر منطقی و ظالمانه محسوب می‌شود.

برای حکومت اسلامی دنیایی یکپارچه با روح تعاون و برادری و برابری و عدالت اجتماعی، در برابر مواهب پروردگار، مطرح است، نه تنها حفظ

عنوان یک واحد، و یک بدن، می‌نگرد که اگر عضوی از آن به درد آید سایر اعضا در برابر آن بی تفاوت نخواهند بود، حتی وجود یک گرسنه در دور افتاده‌ترین نقاط جهان برای یک مسلمان مسئولیت‌انگیز است.

شک نیست که اسلام برای "مالکیت فردی" احترام فائل است، ولی برای آن، چنان حدود و شرایطی تعیین می‌کند که جلو تراکم ثروت گرفته‌شود و جامعه تبدیل به دو قطب ثروتمند و فقیر نگردد. در نظام اقتصادی اسلام سیستم بانکداری کنونی که بر اساس "استثمار و بهره‌کشی" از طبقات کم درآمد قرار دارد دگرگون و اصلاح خواهد شد، و نظامی عادلانه جانشین آن می‌گردد.

### ویژگیهای اقتصاد اسلامی

از آنجا که گردش اقتصاد سالم در یک جامعه، همچون گردش خون سالم در بدن یک انسان اثر حیاتی در تمام دستگامها دارد اسلام اولویت خاصی برای مسائل اقتصادی فائل شده است.

در سرحد خود کفائی جامعه اسلامی، نه در شکل وابستگی و اسارت و طفیلی‌گری که سخت منفور و مذموم است.

در مکتب اقتصادی اسلام - به عکس کمونیزم حاکم انسان است و دستگامهای تولیدی ایزاری در دست انسانها.

به همین دلیل مسائل اقتصادی را به خدمت انسان می‌گمارد نه انسان را به خدمت آن.

"انسان" نیز در این مکتب مجموعه‌ای از خواستههای "معنوی" و "مادی" و "عقلانی" و "عاطفی" است و هرگز به انسان تنها از بعد مادی همچون سرمایه‌داران غربی و سوسیالیستهای شرقی نمی‌نگرد، به همین دلیل حقوق بشر در این مکتب مانند مکتبهای مادی غرب، بازپچه اقتصاد مادی شکوفاتر نیست.

و باز به همین دلیل آبادی یک کشور اسلامی را به قیمت ویران شدن سایر کشورها - آنچنان که دکتر اوئن‌ها فکر می‌کنند - نمی‌پذیرد.

اسلام با توجه به "روح توحید" که اساسی‌ترین پایه این آئین است به تمام جامعه انسانی به



عملا اموال شخصی را به نیازمندیهای معقول محدود می‌کند.

درحالی که نگرستن به آن، بعنوان یک هدف، چنان چشم عقل را از کار می‌اندازد که او را به مسابقه احمقانه جمع ثروت بدون توجه به بیهودگی این تلاش ظالمانه می‌کشاند.

پیشوای بزرگ اسلام علی (ع) در گفتار کوتاه و پرمعنی خود به این حقیقت اشاره کرده، می‌گوید **مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصْرَتَهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ** (نهج البلاغه خطبه ۸۳)

### ۳- کنترل درآمد و مصرف

نظام اقتصادی اسلام نه‌همانند سرمایه‌داری "درآمد اقتصادی از هر طریق و با هر شرایط" را می‌پذیرد، و نه همانند سوسیالیسم اجازه می‌دهد افراد در همان درآمد محدودشان فعال مایشاء باشند، و هرکار خواستند بکنند، بلکه به مقتضای **لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ** - (تکواثر ۸) و حدیث معروف پیامبر **يُسْتَلُّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنِ مَالِهِ مِنْ أَيْسَنِ اِكْتِسَبِهِ وَ فِيمَا اَنْفَقَهُ**، درآمد و مصرف را هردوسخت تحت کنترل قرار می‌دهد.

۷۳

برای اینکه به الفبای اقتصادی اسلام آشناتر شویم باید توجه داشته باشیم که چهاراصل اقتصاد اسلامی را از سایر مکتبها جدای می‌کند.

۱- مالکیت خدا  
در اسلام مالکیت نه از آن فرد است، و نه دولت، و نه جامعه، بلکه از آن خدا است، و همه انسانها بعنوان نمایندگان خدا در اموال و ثروتها مداخله و تصرف می‌کند (قرآن می‌گوید **وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ** - حدید ۷)  
به همین دلیل هر مسلمانی موظف است در هر مورد برای رعایت امانت، فرمانهای الهی را در نظر بگیرد، این طرز تفکر اثر عمیقی در طرز رفتار او در زمینه اموال و ثروتها می‌گذارد.

### ۲- اقتصاد وسیله است نه هدف

در نظام اقتصادی اسلام به امکانات مادی بعنوان یک وسیله برای زندگی آبرومندانانه، نگاه می‌شود، و این زندگی نیز به نوبه خود وسیله است برای تحصیل کمالات انسانی و نزدیکی بخدا.  
نگریستن بمال و ثروت بعنوان یک وسیله، بینائی خاصی در همه مسائل به انسان می‌بخشد و

۷۲

(درآمد به اندازه کفایت و نیاز) همه خواهان یک زندگی آبرومندانانه‌اند، و نه بیشتر، و آزمندیهای که سبب می‌شود یک انسان ملیاردها ثروت را بیدک بکشد و در هر گوشه و کنار کشور مالک زمینها و کاخها گردد کاری‌جنون‌آمیز و غیرانسانی محسوب می‌گردد.  
در قرآن مجید بعضی از این گونه افرادی به بیماران شکم‌گنده و مصروعی تشبیه شده‌اند که قادر به کنترل خویشتن نیستند.

شرح برنامه‌های مختلف اسلام برای کنترل ثروت و همچنین حدود اختیارات حکومت اسلامی در این زمینه از حوصله این بحث کوتاه خارج است و همچنین تشکیلات بیت المال در نظام حکومت اسلامی، و اموال بخش عمومی، و خصوصی، واقسام مالیاتها و اختیاراتی که حکومت برای وضع مالیاتهای فوق‌العاده در مواقع ضروری دارد نیز بحثهای جداگانه‌ای است و بخواست خدا در موقع دیگر از آن سخن خواهیم گفت.

× × ×

۷۵

در نظام اقتصاد اسلامی نه تنها مسئله از کجا آورده‌ای بصورت صحیح و جدی - نه شوخی و بازیچه همچون امروز - اجرا می‌شود، بلکه علاوه بر این قانونی بعنوان **درکجا مصرف کرده‌ای** نیز در کنار آن هست، چرا که یک مسلمان حق ندارد اموال خود را هرگونه خواست بیهوده مصرف کند.

### ۴- مبارزه با تکاثر و کنز

در نظام اقتصادی اسلام هیچگاه جامعه بین دو قطب "ثروتمند" و "فقیر" تقسیم نخواهد شد، و این مسئله از طریق بکار بستن قوانین مختلف اسلامی در زمینه "احتکار" و "ربا" و "کنز" و اجرای کامل مالیاتهای اسلامی و کمک گرفتن از مبانی معنوی و مذهبی انجام می‌گردد.

مهمتر اینکه حکومت اسلامی اختیارات وسیعی در تمام زمینه‌ها از جمله کنترل ثروت دارد، که بهنگام لزوم برای حفظ نظام جامعه می‌تواند از آن استفاده کند.

اصولا اقتصاد اسلامی چون با ایمان بخدا و مسائل اخلاقی و عاطفی آمیخته است رنگ دیگری دارد، در این مکتب طبق اصل "کفاف و عفاف"

۷۴

## در زمینه صنعت و تکنولوژی

هیچ چیز مضحک تر از این نیست که کسی بگوید اسلام مخالف صنعتی شدن و مدرنیزه کردن زندگی است.

درکجای قرآن و تعلیمات اسلام از چنین موضوعی نهی شده؟

کدام عالم و مرجع دینی است که در زندگی خود از انواع صنایع استفاده نمی‌کند؟ کدام متفکر مذهبی است که مخالف تحصیل فرزند یا برادرش در صنایع مدرن است؟

چه کسی کشاورزی مکانیزه، آبیاری به اسلوب جدید، استفاده از آخرین و جدیدترین ابزار پزشکی را تحریم کرده؟ مگر این بیمارستانها و درمانگاههایی که به دست گروهی از مذهبی‌ها و روحانیین ساخته شده مجهز به مدرنترین وسائل پزشکی نیست؟

غریبهایی که اینچنین فکر می‌کنند گویا تاریخ صنایع خود را فراموش کرده اند که علوم و صنایع پیشرفته امروزشان مدیون پیشرفتهای علمی و

صنعتی دیروز دانشمندان اسلام است. و به گفته دکتر میرهوف خاورشناس معروف و همشهری محترم آقای دکتر اوئن " بوسیله ترجمه کتب دانشمندان اسلام علوم شرق مانند بیاران رحمت، برخاک خشک اروپای قرون وسطا بارید و آنرا حاصلخیز و بارور ساخت "

بنابراین شک نیست که جامعه اسلامی باید از مدرن‌ترین و پیشرفته‌ترین صنایع بهره‌گیرد، حتی اگر بنیانگزارانش دیگران باشند، جامعه اسلامی نباید ننگ و سرشکستگی عقب‌ماندگی صنعتی را بر خود هموار سازد که العزه لله و لرسولسه و للمومنین، ولی حکومت اسلامی روی دو اصل اساسی در اینجا تکیه می‌کند.

یکی اینکه استفاده از صنایع دیگران نباید به بهای فرار گرفتن در حوزه استعمار آنها تمام شود که " توسعه صنعتی چیزی است و استعمار صنعتی چیز دیگر " در حکومت اسلامی اولی مطرح است نه دومی.

تحمل یک مشت کارشناس و تکنسین خارجی باحقوقهای گزاف و سرسام آور بر بیت المال

مسلمین در مواردی که وجودشان غیر ضروری است نه عاقلانه و شرافمندان است و نه جزء مفهوم صنعتی شدن و نه چیزی است که حکومت اسلامی آنرا تحمل کند.

**دیگر اینکه** در این نوع حکومت که پایه هایش بر " سادگی زندگی " گذارده می‌شود، از " صنایع لوکس " که در مسیر تحمل پرستی و اسراف و تبذیر و ضایع ساختن نیروهای انسانی، و فرار بی دلیل ارزهای کشور، قرار می‌گیرد، شدیداً پرهیز خواهد شد، تا زندگی در همه سطوح به شکل ساده درآید و امکان بهره‌گیری همه افراد جامعه از نیازمندیهای اصیل و واقعی فراهم گردد.

آمارگران به ما می‌گویند اگر تمام منابع اقتصادی روی زمین به کار گرفته شود باز امکان فراهم آوردن یک زندگی لوکس تجملی - همانند زندگی گروهی از مردم آمریکا و اروپا - برای تمام مردم روی زمین وجود ندارد، درحالی که تعلیمات اسلامی همه مردم جهان را عضو یک خانواده می‌داند.

ولی اینگونه مسائل برای آنها که تنها متعلق به یک جامعه و یک کشورند جنبه افسانه ای و

ایده آلیستی دارد.

مسائل مربوط به حقوق بشر برای آنها الفاظی توخالی است، یادگیری که برای تزیین دموکراسی مدار بسته آنها به وجود آمده، که وقتی پای منافعشان به میان آید فوراً برجیده می‌شود.

× × ×

## منابع زیرزمینی در حکومت اسلامی

حکومت اسلامی منافع معقول هیچ گروهی را به خطر نمی‌اندازد.

اصل اساسی که بر تمام روابط اجتماعی و بین المللی در حکومت اسلامی پرتو افکنده این است " نه ستم کنید و نه زیر بار ستم بروید.

( لا تظلمون ولا تظلمون )

حکومت اسلامی نه منابع خود را بیهوده احتکار می‌کند، و نه به رایگان به کسی می‌بخشد و نه با استخراج بی‌رویه چوب حراج به آن می‌زند، و نه درآمد حاصل از آنرا به حسابهای بانکی این و

آن در خارج می‌ریزد .

### توضیح اینکه

فکر می‌کنم بیشترین نگرانی آن گروه که از عنوان حکومت اسلامی دروختند و یا همچون روزنامه تایمز لندن آنرا فکر مبهمی می‌دانند از همین ناحیه است، از منابع زیر زمینی ما مخصوصاً نفت ماست .

آنها شاید فکر می‌کنند حکومت اسلامی با روش تعصب آمیز و غیر قابل انعطافی که در پیش خواهد گرفت لوله های نفت را به روی مردم جهان خواهد بست و یا محدودیتها و ممنوعیتهای خاصی برای این ماده گرانبها که در حال حاضر گرداننده همه چرخهای صنایع جهان است به وجود خواهد آورد، همچنین در مورد سایر منابع در حالی که این یک اشتباه بزرگ است .

در فقه اسلامی معادن و همه منابع زیر زمینی جزء " انفال " و انفال هم از آن خدا و پیامبر است .

( قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ ) و یا به

۸۰

تعبیر دیگر متعلق به حکومت اسلامی و مردم است و از طریق بخش عمومی و یا بخش خصوصی ( هر کدام هماهنگ تر با مصالح جامعه باشد ) آنها را استخراج و پس از رفع نیازهای خود، در اختیار دیگران با قیمت عادلانه و مناسبی خواهد گذارد ( بدیهی است دشمنان حقوق بشر و دشمنان اسلام سهمی از آن نخواهند داشت )

حکومت اسلامی نه این منابع را بیپوده احتکار می‌کند، و نه رایگان به کسی می‌بخشد .

نه این منابع را تعطیل می‌کند و نه با استخراج بی‌رویه چوب حراج بر این ماده گرانبها و در حال زوال می‌زند .

در اسلام یک اصل اساسی بر تمام روابط اجتماعی و جهانی حکومت می‌کند " لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ " نه ستم کنید و نه زیر بار ستم روید " نه استعمارگر باشید و نه تن به استعمار دهید " این جمله گرچه در قرآن مجید ذیل آیه " تحریم رباً " آمده است ، ولی روشن است که یک قانون کلی از آن استفاده می‌شود .

منابع زیر زمینی و نفت نیز از این قانون

۸۱

نه اینکه اسلحه نمی‌خرد ، می‌خرد اماروی حساب . این درآمد در درجه اول در راه رفاه مردمی صرف می‌گردد که مالک واقعی آن هستند ، نه ظالم باشند و نه مظلوم .

حکومت اسلامی برای اداره صنایع و استخراج منابع خود در صورت ضرورت و ناچاری از کارشناسان خارجی استفاده می‌کند ، اما شرف و حیثیت و استقلال و آزادی خود را به آنها نمی‌فروشد . به علاوه در کنار این کار که به منظور متوقف نشدن چرخهای صنعت صورت می‌گیرد ، حداکثر کوشش را به کار می‌گیرد که در هر رشته به حد خود کفائی برسد ، و همان گونه که سابقاً هم گفتیم آنرا به عنوان یک وظیفه واجب و فریضه الهی به جوانان گوشزد می‌کند .

و به هر حال به هیچ بیگانه‌ای اجازه نخواهد داد که در امور جامعه اسلامی دخالت کنند .

× × ×

۸۳

مستثنی نیستند ، و به همین دلیل در حکومت اسلامی مبادله این کالاها تحت شرایط عادلانه صورت خواهد گرفت ، که زبانی بر صاحبان اصلی وارد نشود و به مردم جهان نیز از این رهگذر ستمی نخواهد شد .

ولی از آن مهمتر مساله درآمدهای هنگفت این منابع عظیم خداداد است ، حکومت اسلامی هرگز به غارتگران اجازه نمی‌دهد که حتی دیناری از این درآمد بزرگ را به حسابهای بانکی خود در داخل و خارج بریزند ، حکومت اسلامی به هیچ قیمتی اجازه نخواهد داد روزانه پنجاه میلیون دلار ارز، از محل درآمد آن، از کشور خارج و راهی بانکهای بیگانه گردد ، یا تبدیل به کاختهای سوئیس و انگلستان و فرانسه و آمریکا شود و در کالیفرنیا از هر دوخانه که به فروش می‌رود یکی را به ثروتمندان ایران یعنی غارتگران منابع نفت بفروشند .

و نیز اجازه نمی‌دهد تبدیل به سلاحهای گردد که تنها فایده‌اش پاسداری از منافع دیگران باشد .

۸۲

### در مورد اقلیتهای مذهبی

تاریخ اسلام بهترین گواه بر روح مسالمت جوئی مسلمانان در این زمینه است همیشه این اقلیتها در کشورهای اسلامی وجود داشته اند، و در عصر پیامبر (ص) و در مرکز حکومت او نیز وجود داشتند، و از هرگونه حقوق انسانی برخوردار بودند و در انجام مراسم مذهبی خود آزادی عمل داشتند، حتی برای تغییر عقیده و مذهب تحت فشار نبودند و حفظ جان و مال و ناموس آنها برعهده حکومت اسلامی بود.

مفهوم این سخن آن نیست که مسلمانان آنها را از طریق منطقی تبلیغ و دعوت به سوی اسلام نمی کردند، منظور این است اجباری در کار نبوده که (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ) در قوانین فعلی ما حقوق اقلیت های مذهبی محترم شمرده شده و تاکنون هیچ عالم مذهبی با آن مخالفت ننموده است. اما همه اینها در صورتی است که آنها به صورت یک اقلیت سالم و دوست باقی بمانند، و

۸۴

احترام متقابل را رعایت کنند، نه آلت دست دشمنان گردند و نه با آنها همکاری داشته باشند. این حقیقت را نیز نمی توان انکار کرد که این حکم شامل بعضی از فرقه های گمراه و دین سازان عصر ما که با استفاده از ماسک مذهب برای بیگانه کار می کنند نمی شود (حکومت اسلامی در برابر آنها تعهد و مسئولیتی ندارد).

× × ×

### در زمینه حقوق زنان

در حکومت اسلامی حقوق زنان همانند مردان محترم است، و برای فعالیتهای مختلف زنان مخصوصاً تحصیل در تمام مراحل محدودیتی وجود ندارد، جز اینکه به زنان توصیه می کند اولاً به دقت مراقب باشند حیثیت و شرف و عفت آنها بازیچه دست هوسبازان نگردد، و هرگونه فعالیت تحصیلی و اجتماعی آنها در محیطی پاک و با احترام به مقررات اسلامی انجام گیرد.

۸۵

ثانیا وظیفه مقدس مادری را مانند بعضی از جوامع، کوچک و کم اهمیت نشمرند، و سرنوشت فرزندان خود را از نظر تربیتی فدای منافع شخصی و مادی نکنند، کودکان را فاقد حس مسئولیت و عاطفه انسانی بار نیآورند، و بی بند و بار بهای اخلاقی را همچون روشنفکران کاذب به عنوان تمدن نپذیرند.

× × ×

### روابط بین المللی

بسیار مضحک است اگر تصور کنیم حکومت اسلامی، کشور را در انزوای مطلق فرو خواهد برد و مرزهای خود را به روی دنیا خواهد بست. مگر پیامبر ما در دوران حکومت خود چنین کاری کرده است که ما بکنیم؟ این یک انتحار است، انتحار اجتماعی، و انتحار به هر شکل و صورتی در اسلام ممنوع است. منتها باز اصل "ستم مکن و زیر بار ستم

۸۶

نرو" بر تمام این روابط سایه خواهد افکند. و قاعده کلی لزوم حفظ "حوزه اسلام" و "مصالح مسلمین" و اصل اساسی **إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ أَنْ يُذَلَّ الْعَبْدُ نَفْسَهُ** (خدا دوست ندارد کسی با دست خود خویشتن را ذلیل سازد) باید در همه جا مورد توجه بوده باشد، هر گونه پیمان، هر معاهده، هر نوع رابطه ای که نتیجه مستقیم یا غیر مستقیمش ذلت و سرافکنندگی جامعه اسلامی باشد ممنوع است ممنوع.

البته اسلام اجازه بستن پیمانهای نظامی با غیر مسلمانان نمی دهد، ولی با این حال از همزیستی مسالمت آمیز با آنها در حدود احترام متقابل و حفظ منافع و حقوق طرفین مضایقه ندارد. در اسلام همه مسلمانان به چشم برادر به یکدیگر نگاه می کنند و مرزهای کنونی هیچگاه آنها را از یکدیگر جدا نمی سازد بلکه همه را عضو یک کشور، یک جامعه، بلکه یک خانواده محسوب می دارد و به آنها تاکید می کند که بهنگامی که خطری متوجه یک فرد یا یک گروه از مسلمانان در هر نقطه از جهان بشود دیگران بیاری او بشتابند. در عین حال

۸۷

... زن غیر مسلمان را جامعتر از اعلامیه حقوق بشر  
محترم می شمرد .

× × ×

آنچه گفتیم یک بررسی اجمالی پیرامون  
طرح حکومت اسلامی بود و شرح هر یک از اینها نیاز  
به بحث جداگانه و مشروحی دارد .

[ بریدگی بالای صفحه در خود متن اصلی ست . بگمانم باید اینطور خوانده شود : « زن غیر مسلمانرا جامعتر از ... » ]

[گاه روزانه ها 1 ...](#) [گاه روزانه ها 2 ...](#) [گاه روزانه ها 3 ...](#) [گاه روزانه ها 4 ...](#) [گاه روزانه ها 5 ...](#) [گاه روزانه ها 6 ...](#) [گاه روزانه ها 7 ...](#) [گاه روزانه ها 8 ...](#)